

سند راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی

دکتر قاسم ترابی*

اشاره:

متن انگلیسی «راهبرد نظامی اسرائیل»^۱ در آگوست ۲۰۱۶ منتشر شد. این راهبرد که نخستین سند رسمی منتشر شده رژیم صهیونیستی در حوزه نظامی محسوب می‌شود، اصول راهنما، ساختار فرماندهی، اهداف و برنامه‌های نظامی اسرائیل در شرایط جدید امنیتی و محیط راهبردی متغییر خاورمیانه را آشکار می‌کند. با توجه به اهمیت و ضرورت شناخت برنامه‌ها و اهداف اسرائیل، مقاله حاضر در پی بیان اصول و محورهای این سند و معرفی اصول ثابت و متغیر آن بر اساس تجربه چند دهه گذشته از اقدامات نظامی اسرائیل است.

مقدمه

رژیم صهیونیستی از جمله ساختارهای سیاسی محسوب می‌شود که «راهبرد ابهام» در حوزه نظامی را در اولویت دارد. این ساختار در سال‌های گذشته، تقریباً هیچ‌گونه سندی درباره توانمندی‌های نظامی یا اهداف و برنامه‌های نظامی خود منتشر نکرده است. با این حال در آگوست ۲۰۱۵ سند مشترک اسرائیل به ریاست «گادی آیزنکوت» در اقدامی بی‌سابقه و برای نخستین بار راهبرد نظامی اسرائیل را به زبان عبری منتشر کرد. طبیعتاً با توجه به زبان متن، کمتر کارشناسی توان مطالعه آن را داشت. به همین دلیل در آگوست ۲۰۱۶ برگردان انگلیسی این سند به همت «گراهام آلیسون» و «مرکز بلفر»^۲ منتشر شد. به گفته آلیسون هدف اصلی مرکز بلفر از ترجمه راهبرد نظامی اسرائیل، درس‌های مهمی است که آمریکا می‌تواند از آن استخراج کند. به ادعای وی اسرائیل

توانسته نزدیک به هفتاد سال در شرایط وخیم امنیتی و در منطقه‌ای سراسر آشوب به حیات خود ادامه دهد، در نتیجه تجربه آن در این زمینه می‌تواند حتی برای آمریکا نیز به کار آید. بر اساس منطقی مشابه و با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی مهمترین دشمن جمهوری اسلامی ایران، به شمار می‌آید، مطالعه و تجزیه و تحلیل اصول و محورهای راهبرد نظامی این رژیم برای ایران نیز واجد اهمیت است. بر این اساس در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین محورهای این سند مطرح می‌شود و در نهایت تلاش می‌شود تحلیلی کلی از آنها صورت گیرد.

ساختار راهبرد

راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی مشتمل بر پیش‌درآمدی با امضای گادی آیزنکوت رئیس ستاد مشترک، مقدمه و پنج فصل نسبتاً مفصل است. در پیش‌درآمد، گادی آیزنکوت از دلایل نیاز به یک راهبرد جدید در حوزه نظامی بحث نموده است. از جمله دلایلی که وی بر آنها تأکید نموده می‌توان به تغییرات در محیط جهانی و منطقه‌ای و همچنین تغییر در «محیط راهبردی» خاورمیانه اشاره نمود. از نظر وی در محیط راهبردی جدید دشمنان و تهدیداتی چون گسترش تروریسم، اسلام‌گرایی افراطی، بازیگران غیردولتی چون حزب‌الله و حماس، احتمال گسترش تسلیحات کشتار جمعی و تسلیحات آفندی، راهبردی مثل موشک‌های بالستیک و تهدیدات سایبری رو به افزایش،

* همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

1. Israel Defense Forces (IDF) strategy
2. Belfer Center for Science and International Affairs

منطقه و جهان، ادعا شده است که باید به پشتوانه یک نیروی نظامی قوی و کارآمد تأمین و تضمین شوند. نکته مهم در این میان، تأکید مجدد بر ماهیت یهودی اسرائیل و نقش نیروی نظامی در حفظ این ماهیت است. این در شرایطی می‌باشد که حفظ ماهیت یهودی رژیم صهیونیستی با حفظ ماهیت دموکراتیک آن همخوانی چندانی ندارد و همواره یکی از انتقادات جدی به ماهیت دموکراتیک رژیم اسرائیل، جایگاه اعراب و مسلمانان ساکن سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ به عنوان شهروندان درجه دوم است.

در بخش تهدیدات، به ایران بدون اشاره به چگونگی و جزئیات تهدید، دولت‌های شکست خورده و به خصوص همسایه اسرائیل همچون سوریه، گروه‌های تروریستی روهه گسترش، حزب‌الله و حماس به عنوان دو بازیگر غیردولتی و تهدیدات روهه گسترش سایبری اشاره شده است. نیروی نظامی اسرائیل مسئولیت اولیه در برابر این تهدیدات را دارد و باید بر اساس اصول مشخص و مدون تهدیدات را شناسایی کند. بر اساس ادعای متن، سند راهبرد نظامی، در مقابله با دشمنان و تهدیدات، اصل اولیه و راهنمای عمل نیروهای نظامی اسرائیل به حساب می‌آید؛ با وجود این، بلافاصله تأکید شده که ماهیت تهدیدات اسرائیل به شکلی هستند که تدافعی بودن در مقابل آنها ناکام خواهد ماند. بر این مبنای، باید «وضعیت تهاجمی»^۱ و آفندی اصل تعیین کننده اقدام نیروی نظامی اسرائیل باشد. بر مبنای این وضعیت اسرائیل نمی‌تواند منتظر بماند تا تهدیدات رخ نمایند و بعد در برابر آنها اقدام کند، بلکه هدف باید شناسایی تهدید و از بین بردن آن قبل از ظهور باشد. بنابراین تهاجمی بودن کلید موفقیت نیروی نظامی اسرائیل در دوران تردید و محیط راهبردی مبهم امروزی معرفی می‌شود. البته در متن بر این امر تأکید شده که تهاجمی بودن باید مطابق حقوق بین‌الملل امروزی باشد. با وجود این حتی حقوق بین‌الملل امروزی نیز به هیچ عنوان

دارای اهمیت هستند. بر این اساس اسرائیل برای تأمین امنیت خود باید نیروهای نظامی خود را با محیط راهبردی جدید و تهدیدات روهه گسترش هماهنگ سازد. از جمله اینکه باید شناخت عمیق تری از دشمنان و تهدیدات جدید به دست آورد و توانمندی‌ها و آمادگی‌های نیروهای نظامی خود را مطابق آنها به‌روز نماید. همچنین باید تغییراتی در ساختار، فرماندهی و مدیریت نیروهای نظامی صورت گیرد تا کارآمدی، چابکی و سرعت جابجایی آنها افزایش یابد. به هر حال در محیط راهبردی جدید سرعت عمل در تصمیم‌گیری و در اجرای عملیات، کلید پیروزی بر تهدیدات جدید است که ویژگی اصلی آنها تحرک و پویایی گسترده می‌باشد.

بر اساس سند فوق، هدف از منتشر نمودن راهبرد نظامی اسرائیل مشخص کردن چگونگی استفاده از قدرت نظامی در مواجهه با تهدیدات جدید و روهه گسترش، تجزیه و تحلیل محیط داخلی و خارجی برای شناخت تهدیدات و فرصت‌ها، شناسایی و معرفی راه کارهای مقابله با حزب‌الله و حماس و در نهایت شناخت و به کار بستن توانایی‌های جدید نظامی با توجه به محیط متحول در سطح منطقه و جهان است. مشخص نمودن ساختار مدیریت و فرماندهی نیروی نظامی اسرائیل، چگونگی ارتباط بین بخش‌های دفاعی و سیاسی و در نهایت ایجاد ساختاری نوین با توجه به تغییر در فضای راهبردی، از دیگر اهدافی است که در این سند مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین هدف دیگر توانمند نمودن و به‌روز کردن نیروهای نظامی اسرائیل با توجه به تحولات و ارتقای آنها با نیروی انسانی نخبه و توانمند و تجهیزات مدرن و جدید با هدف حفظ و افزایش تسلط بر دشمنان و تهدیدات است. به تعبیری دیگر آنچه‌چنان که از محتوای متن در مقدمه پیداست، هدف اصلی اسرائیل، حفظ هژمونی نظامی بر منطقه و به خصوص در برابر دشمنان و تهدیدات است.

چارچوب راهبردی

در فصل اول سند مذکور، در مورد اهمیت و جایگاه راهبرد نظامی، اهداف ملی، تهدیدات و اصول دکترین امنیت ملی بحث می‌شود. آن گونه که در این سند ذکر شده، راهبرد نظامی اسرائیل پایه مفهومی و کاربردی هرگونه سند دیگری است که در حوزه نظامی وجود دارد یا در آینده منتشر می‌شود. به تعبیر دیگر این سند مهم‌ترین سند نظامی اسرائیل معرفی شده که به مثابه قانون اساسی باید سایر اسناد بر پایه آن باشند. به علاوه این سند باید پایه‌ای برای منافع ملی حیاتی، امنیت ملی و مبنایی برای تفکر و اقدامات نظامی و دفاعی اسرائیل باشد. بر این اساس مهم‌ترین اهداف ملی این رژیم، دفاع از سرزمین، قلمرو و مردم، حفظ و تداوم ماهیت دموکراتیک و یهودی آن، تضمین رشد اقتصادی و اجتماعی و تقویت جایگاه اسرائیل در سطح



این دو منتهی شده، از جمله مصادیق این راهبرد به حساب می‌آید. به همین شکل پذیرش تقریباً تمامی شروط ترکیه برای عادی‌سازی با این کشور غیر عربی، دقیقاً در چارچوب گسترش روابط با قدرت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار قرار دارد. اخیراً نیز با ایجاد تنش در روابط بین ایران و عربستان، مقامات اسرائیلی به دنبال بهبود روابط با عربستان سعودی به عنوان تأثیرگذارترین کشور خاورمیانه هستند. علت نزدیکی این دو، شرایط پس از برجام و نگرانی از قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران است که به نگرانی‌ها در بین مقامات سعودی و صهیونیست دامن زده است.

محیط راهبردی و عملیاتی

در فصل دوم تغییرات گسترده‌ای که در محیط راهبردی و عملیاتی رخ داده‌اند با جزئیات مورد بحث قرار گرفته‌اند. به واقع هدف از این فصل مشخص نمودن شرایط و اقتضائات فضای جدید راهبردی است که نیروهای نظامی اسرائیل باید در قالب آن وظایف و مسئولیت‌هایشان را انجام دهند. منظور از تغییر در محیط راهبردی و عملیاتی، ظهور تهدیدات جدید امنیتی و در نتیجه تغییر در محیط عمل و چگونگی اقدام نیروهای نظامی است. بر اساس این سند، آنچه در محیط راهبردی رخ نموده، ظهور تهدیدات جدید در کنار تهدیدات سنتی همچون تهدیدات نظامی ایران است. البته از نظر رژیم صهیونیستی ایران تنها یک تهدید سنتی نیست، بلکه با متحدان منطقه‌ای خود چون حزب‌الله و حماس در کنار مرزهای این رژیم، به اشکال مختلف امنیت‌زدایی می‌کنند. در کنار این تهدید بر اسلام‌گرایی افراطی تأکید شده که در قالب گروه‌های تروریستی، محیط امنیتی اسرائیل را آلوده می‌سازند. این نیروها و اصولاً این گفتمان، تهدیدات سنتی چون ملی‌گرایی عربی در قالب افرادی چون ناصر، قذافی و صدام را کنار زده‌اند و با جذب نیرو و شکل دادن به گروه‌های تروریستی، سرمنشاء مشکلات ساختاری و دامنه‌دار امنیتی برای اسرائیل شده‌اند. ضمن اینکه این تهدید تنها در محیط پیرامونی اسرائیل فعال نیست، بلکه با نفوذ به مناطق فلسطینی نشین غزه و کرانه باختری و حتی مسلمانان و اعراب ساکن در اسرائیل، عملاً تهدید را به درب منازل یهودیان کشانده است.

در کنار اینها باید به جنگ نرم و تهدیدات روبه گسترش سایبری اشاره نمود که اسرائیل با توجه به شرایط منطقه‌ای و جهانی، یکی از مهم‌ترین اهداف چنین تهدیداتی است. مقامات صهیونیستی خود را یکی از اصلی‌ترین قربانیان تهدیدات نرم و جنگ سایبری معرفی می‌کنند. به همین دلیل اسرائیل به رهبری نتانیاهو به دنبال تبدیل نمودن این رژیم به «ابر قدرت سایبری جهان» است. هدف مقامات اسرائیلی در

اقدامات تهاجمی که رژیم صهیونیستی آن را در چارچوب «دفاع پیش‌دستانه» و «دفاع پیشگیرانه» قرار می‌دهد، نمی‌پذیرد. سازمان ملل دفاع را در قالب منشور و تنها در هنگام تهاجم به سرزمین و تمامیت ارضی مشروع می‌داند.

اصل دیگری که در متن مورد تأکید قرار گرفته، اصل همکاری با متحدان اسرائیل به‌ویژه با ایالات متحده آمریکاست. همکاری با آمریکا به دلیل نقش بی‌بدیل این کشور در حمایت همه‌جانبه از اسرائیل در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی و سیاسی برای اسرائیل بسیار حائز اهمیت است. به تعبیر دیگر در راهبرد نظامی اسرائیل به‌رغم تأکید بر خوداتکایی، نقش برجسته آمریکا در تأمین امنیت نیز مورد توجه جدی قرار دارد. همچنین در این سند بر همکاری با میان‌روها در خاورمیانه نیز تأکید بسیاری شده است. منظور از میان‌روها آن دسته از کشورهای خاورمیانه هستند که بر اساس عمل‌گرایی یا مصلحت، مواجبه با اسرائیل را کنار گذاشته و به شکل غیررسمی واقعیت این رژیم را به رسمیت شناخته‌اند. اهمیت وجود چنین کشورهایی برای اسرائیل بر کسی پوشیده نیست. در راهبرد کلان این رژیم، شکستن انزوا و تعامل با برخی از کشورهای منطقه، به عنوان یکی از محوری‌ترین اصول بقا و خروج از انزوا به حساب می‌آید. البته این راهبرد است که اسرائیل طی چند دهه گذشته از آن نهایت استفاده را نموده است. «بن‌گوریون» نخستین کسی بود که بر یافتن متحدان منطقه‌ای و ایجاد شکاف بین کشورهای خاورمیانه تأکید نمود. وی با طرح «دکترین پیرامونی» خواهان نزدیکی به ایران، ترکیه و اتیوپی به عنوان سه کشور متحد در برابر اعراب بود. در شرایط کنونی نیز می‌توان به اشکالی دیگر همین راهبرد را مشاهده نمود. تلاش گسترده اسرائیل برای نزدیکی با آذربایجان که به همکاری‌های نسبتاً گسترده در حوزه نظامی، امنیتی و اطلاعاتی بین

در اسرائیل است که می‌تواند در آینده، مشکل‌زا باشد.

ساماندهی و چگونگی استفاده از نیروی نظامی اسرائیل

در فصل سوم سند «راهبرد نظامی اسرائیل»، چگونگی استفاده از نیروی نظامی این رژیم در سه «وضعیت عادی»، «اضطراری» و «جنگی» مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این سند، وضعیت عادی به شرایط امنیتی طبیعی و روزمره بین اسرائیل و کشور یا بازگر تهدیدکننده اشاره دارد. در این وضعیت به رغم دشمنی بین دو طرف، شرایط کم‌وبیش عادی و آرام است و تنها گه‌گاهی خصومت‌ها افزایش می‌یابد. شرایط اضطراری به عملیات نظامی محدودی اشاره دارد که در شرایط جنگی صورت نمی‌گیرد و تنها برای زدن توانمندی دشمن در عملیاتی ویژه مورد استفاده است. در نهایت شرایط جنگی تعریف شده است که مواجهه نظامی بین دو طرف را ملاک قرار می‌دهد. بر اساس این سند، می‌توان گفت اسرائیل طی نزدیک به هفتاد سال گذشته هیچگاه در شرایط صلح قرار نداشته، چرا که حداقل وضعیت امنیتی اسرائیل در شرایط عادی بوده که تنش و خصومت ویژگی اصلی آن به حساب می‌آید. لازم به اشاره است که هدف از تقسیم وضعیت به سه بخش عادی، اضطراری و جنگی، مشخص نمودن وظایف و مأموریت‌های نیروهای نظامی و دفاعی در هر کدام از وضعیت‌ها است. به عنوان نمونه در وضعیت عادی هدف باید حفظ برتری بر دشمن، شناسایی عمیق و دقیق از توانمندی آن و آمادگی برای مقابله و مواجهه در شرایط اضطراری و جنگی باشد. در وضعیت اضطراری هدف نیروهای نظامی، انجام مأموریت‌های خاص برای تخریب یا از بین بردن توانمندی ویژه دشمن است که در آینده می‌تواند توازن نظامی را به ضرر اسرائیل برهم زند و در شرایط جنگی عاملی برای شکست باشد. در این راستا می‌توان اقدامات پیش‌گیرانه یا پیش‌دستانه

این زمینه ایجاد یک اسرائیل امن سایبری است. ضمن اینکه اسرائیل به دنبال آن است که به توانمندی‌هایی دست یابد که دیگران را در سطح عالی رصد کرده و در صورت نیاز با تهدیدات جدی سایبری مواجه سازد.

اسرائیل همچنین نگرانی‌های جدی در مورد خرابکاری، حملات محدود به زیرساخت‌های نظامی، اقتصادی، دولتی، عمومی و حتی خصوصی خود دارد. این موضوع به خصوص با توجه به رشد گفتمان اسلام‌گرایی افراطی در سطح منطقه و احتمال گسترش بیشتر آن به نوار غزه و کرانه باختری و از آن خطرناک‌تر در میان فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی قابل درک است. نگرانی اصلی در این زمینه انجام اقدامات خرابکارانه و تروریستی به شکل گسترده و غیرقابل کنترل در سرتاسر اسرائیل است. بر این اساس، آمادگی در برابر این تهدید به خصوص با اشراف اطلاعاتی گسترده و اقدامات پیشگیرانه می‌تواند راه‌گشا باشد.

در کنار اینها دشمنان اسرائیل دست به اقداماتی در حوزه نظامی و دفاعی خود زده‌اند که کار را برای عملیات‌های نظامی به خصوص در بخش آفندی و پیش‌دستانه مشکل نموده است. از جمله اینکه دشمنان با شناسایی راهبرد نظامی اسرائیل، امکانات و تأسیسات حیاتی خود را پراکنده نموده‌اند و عمدتاً آنها را در بین شهروندان و شهرها پنهان کرده‌اند تا امکان حمله را از بین ببرند. پراکنده‌سازی و در بافت شهری قرار دادن امکانات حیاتی و نظامی، احتمال موفقیت حمله اسرائیل را پایین می‌آورد. به همین شکل حتی موفقیت در عملیات با توجه به تلفات انسانی باعث می‌شود مشروعیت حمله کاهش یابد و اسرائیل در سطح جهان با مشکل مشروعیت مواجه شود. دشمنان همچنین با خریدهای نظامی هوشمندانه در بخش هوایی و دریایی در تلاشند نقاط ضعف خود را پوشش و نقاط قوت اسرائیل را تضعیف نمایند. از جمله اینکه خریدهای گسترده کشورهای منطقه در بخش پدافند هوایی، به توان هوایی اسرائیل که مهم‌ترین بخش در حوزه آفندی محسوب می‌شود، آسیب رسانده است. وجود چنین پدافندهایی می‌تواند در نهایت اجرای راهبرد تهاجمی اسرائیل را ناکام بگذارد. در نهایت اینکه دشمنان اسرائیل یاد گرفته‌اند که «رویکرد چندبعدی» را در هنگام جنگ با اسرائیل به کار ببرند. به عنوان نمونه در جنگ‌های چند سال گذشته با حزب‌الله در کنار جنگ نظامی، جنگ سایبری نیز فعال بود. همچنین حزب‌الله تلاش می‌کرد با نفوذ به نیروهای نظامی اسرائیلی از آنها گروگان بگیرد و یا با حمله به اماکن عمومی و شهری، تهدید را وارد تک‌تک خانه‌های شهروندان اسرائیلی کند. به هر حال نتیجه استفاده از این رویکرد چندبعدی ایجاد حس بی‌ثباتی و نبود امنیت



می‌تواند وضعیت امنیتی و نظامی اسرائیل را به مراتب بهبود دهد. در نهایت تهاجمی بودن، شرط لازم برای تأمین امنیت اسرائیل است. با توجه به محیط راهبردی اسرائیل، راهبرد تهاجمی تنها راه بقای این رژیم معرفی می‌شود. بر این اساس تهاجمی بودن برای حفظ برتری نظامی اسرائیل در سطح عالی، تنها گزینه مطلوب و در عین حال ممکن به حساب می‌آید.

ساختار فرماندهی نیروی نظامی اسرائیل

در فصل چهارم سند، در ارتباط با فرماندهی و ساختار مدیریت نیروهای نظامی و چگونگی ارتباط بین بخش نظامی و سیاسی بحث شده است. بر اساس این سند، ساختار نظامی باید به گونه‌ای ساماندهی شود که مدیریت و فرماندهی نظامی کاملاً یک پارچه و متمرکز باشد. هدف از این کار یک پارچگی و سرعت عمل در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای عملیات‌ها در حداقل زمان ممکن، عنوان شده است. به همین شکل نوع رابطه نیروهای نظامی با مقامات سیاسی باید به نحوی باشد که ضمن جلوگیری از برتری عوامل نظامی بر سیاسی، ماهیت دموکراتیک رژیم را حفظ کند. برای تحقق این هدف، «ستاد فرماندهی کل» به عنوان عالی‌ترین مقام در سلسله‌مراتب ارتش ایجاد می‌گردد. ستاد فرماندهی کل توسط رئیس ستاد هدایت می‌شود که عالی‌ترین شخص نظامی و رابط بین بخش نظامی و سیاسی محسوب می‌شود. بر این اساس رئیس ستاد مشترک تنها فرد نظامی است که حق دارد با مقامات سیاسی ارتباط داشته باشد و دستورات را از مقامات سیاسی به نیروهای نظامی منتقل کند.

ایجاد نیروی نظامی کارآمد

در سند راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی ادعا شده است که نیروی نظامی این رژیم باید بتواند «تمامیت ارضی اسرائیل و امنیت شهروندان» را در برابر تهدیدات، حفظ نماید. همچنین این نیروها باید پشتوانه‌ای برای تضمین و تأمین منافع و اهداف ملی و سیاست خارجی باشند. نقش برجسته نیروهای نظامی در بقای اسرائیل و ایجاد شرایط برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در این زمینه‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به چنین مسئولیت‌هایی، نیروی نظامی اسرائیل باید مطابق تحولات در عرصه جهانی و منطقه‌ای به روز شده و توانمندی‌ها و آمادگی‌هایش را به شدت ارتقاء دهد. در این بین جدال بین «محدودیت در منابع» و نیازهای نظامی باید به شکلی مدیریت شود که آسیبی به توانمندی‌های نظامی و در نتیجه امنیت اسرائیل نزنند. به تعبیری دیگر افزایش توانمندی نظامی و دفاعی اسرائیل باید بالاتر از هر اولویتی در سلسله‌مراتب بودجه و اولویت‌های این رژیم باشد. نیروهای نظامی برای تحقق این امر باید بتوانند برتری‌های

اسرائیل طی هفت دهه گذشته را مطرح کرد. از جمله می‌توان حمله نظامی به «سایت اوسیراک» عراق در سال ۱۹۸۱ یا حمله به تأسیسات هسته‌ای سوریه در سال ۲۰۰۷ را در این چارچوب قرار داد. در نهایت در وضعیت جنگی وظیفه اصلی نیروهای نظامی باید شکست کامل دشمن در حداقل زمان ممکن با کمترین هزینه و نابودی توانمندی‌های آن باشد، به شکلی که تهدید برای مدتی از بین برود. با توجه به ادعای سند فوق، در راستای تحقق این اهداف باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد. نخست اینکه باید با توسل به نیروی انسانی پیشگام و تسلیحات مدرن نظامی و تهاجمی امنیت سرزمین، دولت و شهروندان در مقابل تهدیدات سنتی و جدید افزایش یابد. خط قرمز نیروهای نظامی اسرائیل، امنیت مرزها و شهروندان است. بنابراین باید آمادگی در چنان سطحی باشد که دشمن نتواند برای امنیت این رژیم و شهروندان آن کوچکترین مشکلی ایجاد کند، چرا که این امر برای آنها به عنوان دستاوردی بزرگ به حساب می‌آید. ایجاد این حس که دشمن نمی‌تواند کوچکترین مشکلی برای امنیت اسرائیل ایجاد کند، خود عاملی بازدارنده محسوب می‌شود. به همین شکل باید اقدامات اطلاعاتی گسترده و دقیق در اولویت باشد. اشراف اطلاعاتی نسبت به نقاط قوت و ضعف، راهبردها و برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دشمنان، کلید موفقیت در وضعیت سه‌گانه مذکور است. به هر حال برتری اطلاعاتی در شرایط عادی، اضطرابی و جنگی، نقش اصلی را در عملیات‌ها و پیروزی‌ها ایفا می‌کند. اصل دیگر، داشتن متحدانی در سطح منطقه است. اسرائیل با توجه به شرایط منطقه باید بتواند با پیدا کردن متحدانی هرچند گذرا، برای خود امنیت ایجاد کند. ایجاد و گسترش شکاف منطقه‌ای و پیدا کردن متحدان، موضوع حیاتی در شرایط مختلف امنیتی است. بر این اساس نزدیکی به کشورهای میانه‌رو که کم‌وبیش اسرائیل را به عنوان یک واقعیت قبول کرده‌اند،

قاطع خود را در مانورها، «استفاده مؤثر از آتش»، برتری اطلاعاتی نسبت به دشمن، دفاع در برابر تسلیحات غیرمتعارف و تسلیحات تهاجمی و مدیریت شبکه‌ها و توانمندی در جنگ سایبری را همچنان ارتقا دهد. به همین شکل نیروی نظامی اسرائیل باید از نظر مدیریت و فرماندهی، کاملاً متمرکز و یکپارچه باشد تا در سه سطح عادی، اضطراری و جنگی مشکل تصمیم‌گیری یا اجرا نداشته باشد. این امر همچنین به تأمین نظم مطلق که موضوعی کلیدی در موفقیت عملیات‌ها به حساب می‌آید، کمک خواهد کرد. ضمن اینکه نیروی نظامی اسرائیل باید به شکلی ساماندهی شود که تحولات را در شرایط عادی شناسایی کند و خود را با آنها همراه سازد. به همین شکل شناسایی روندها، تحولات و تغییرات در دوران جنگ نیز در پیروزی نیروهای نظامی کاملاً مؤثر است. بر این اساس ضرورت دارد برای هر رویداد جنگی، اتاقی ویژه برای رصد تحولات و مدیریت شکل‌گیری و تجربیات گذشته با تحولات متفاوت روز همراه شوند. هدف از این کار جلوگیری از ناکامی‌هایی است که طی چند سال گذشته در برخی نبردها با حزب‌الله و حماس رخ داده‌اند. در نهایت اینکه هدف نهایی باید ایجاد نیروی چابک، سریع و با نیروی انسانی کارآمد و مؤثر با تسلیحات مدرن باشد که توان تحرک و جابجایی بالا را در برابر تهدیدات سنتی و جدید که عمدتاً غیرقابل پیش‌بینی هستند، داشته باشد. علاوه بر این نیروی نظامی اسرائیل باید توانایی سایبری بالایی داشته باشد. به همین دلیل باید «ارتش سایبری» اسرائیل زیر نظر رئیس ستاد کل تشکیل شود تا این رژیم توانایی رصد فضای سایبر و انجام اقدامات تدافعی و تهاجمی را به دست آورد. موضوع دیگر در این زمینه توسعه «توانایی‌های فنی» برای افزایش آمادگی‌ها در فضای سایبر است.

نتیجه‌گیری

مقامات رژیم صهیونیستی طی هفت دهه گذشته از سیاست ابهام راهبردی در عرصه نظامی خود استفاده کرده‌اند و در این مدت تقریباً هیچ‌گونه سند یا متن رسمی درباره اهداف و برنامه‌های نظامی خود منتشر نکرده‌اند. بر این اساس متن حاضر که نسخه انگلیسی آن در آگوست ۲۰۱۶ منتشر شد، نخستین سند رسمی منتشرشده رژیم صهیونیستی در عرصه نظامی به حساب می‌آید. البته این بدان معنا نیست که تغییراتی بنیادین در راهبرد نظامی اسرائیل به وجود آمده و قرار است این رژیم، راهبردی متفاوت با اصول و محورهای جدید را به کار بندد. به واقع مطالعه این متن بیش از تغییرات نشانگر ثبات در راهبرد نظامی اسرائیل است. اصولی همچون حفظ برتری مطلق نظامی بر همسایگان، توسل به اقدامات تهاجمی برای زدن توانمندی‌های خاص نظامی دشمنان، ایجاد اختلاف در سطح منطقه و یاری‌گیری از کشورهای میانه‌رو، حفظ تسلط اطلاعاتی، نزدیکی و

همکاری راهبردی با آمریکا، حفظ بازدارندگی یک‌جانبه و پاسخ نظامی قاطع به کوچکترین تحرکات دشمن و حفظ برتری و انحصار هسته‌ای، از جمله اصولی هستند که این رژیم در طول حیات خود مدنظر قرار داده است. بر این اساس برخلاف ادعای متن که از شرایط متغیر گسترده در خاورمیانه و تغییرات در محیط راهبردی صحبت می‌کند، به نظر می‌رسد اصول راهبردی اسرائیل کم‌وبیش ثابت مانده‌اند و تغییرات فقط در سطح تاکتیکی به عمل آمده است. بنابراین انتشار سند نظامی جدید و محتوایی آن را نباید به عنوان تغییری بنیادین در راهبرد کلان اسرائیل به حساب آورد.

نکته دوم اینکه اسرائیل تقریباً تنها ساختار سیاسی جهان محسوب می‌شود که در نخستین راهبرد نظامی خود آن هم به شکل کاملاً آشکار از راهبرد نظامی تهاجمی به عنوان راهبرد اصلی و مسلط خود پرده برداشته است. همان‌گونه که گفته شد، در متن بارها بر راهبرد تهاجمی و اقدامات بازدارنده و حتی به شکلی پیشگیرانه نظامی بحث می‌شود که این امر به هیچ‌عنوان با حقوق بین‌الملل امروزی هم‌خوانی ندارد. البته این تأکید تنها به این سند اکتفا نمی‌کند و این رژیم طی چند دهه گذشته بارها دست به اقدامات نظامی پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه زده است. ضمن اینکه انتظار می‌رود که در سال‌های آینده این راهبرد بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. از جمله دلایل این امر گسترش تروریسم در منطقه و احتمال انتقال تسلیحات کشتار جمعی به آنها و همچنین رقابت تسلیحاتی گسترده در خاورمیانه در عرصه تسلیحات متعارف و احتمالاً غیرمتعارف است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که این رژیم همچنان از اقدامات تهاجمی برای مقابله با قدرت‌یابی دشمنان خود استفاده کند.

